



A Framework for Systematic Analysis of Ethical Issues in S&T Policy

Arash Moussavi¹, Keyvan Alasti^{1*}

1- Assistant Professor at National Research Institute
for Science Policy, Tehran, Iran

Abstract

The ethics of public policy is a branch of applied ethics. Having a look at policy process, it tries to provide analyses on different types of ethical challenges involved in that process and the ways that could resolve those challenges. Issues and problems discussed in the literature of the ethics of public policy are diverse and wide-ranging and a framework has not been proposed yet to systematically regulate that diversity. After providing a review on those diverse issues and themes, this paper proposes a systemic model of public policy and applies the model to regulating ethical themes and issues related to policy process. The framework developed in the paper classifies ethical problems relevant to policy into five main categories: ethical issues arising before decision-making, ethical issues arising after decision-making, ethical issues related to economic-social-institutional structures that affect policy-making, ethical problems arising from the activities of stakeholder groups, and finally, ethical issues related to ideas and normative frameworks in the minds of policy-makers.

Keywords: Ethics and S&T Policy, Ethics and Public Policy, Policy Process, Applied Ethics, Regulating Framework

* Corresponding author: keyvan.alasti@gmail.com

چارچوبی برای تحلیل نظام‌مند اخلاق سیاست‌گذاری علم و فناوری

آرش موسوی^۱، کیوان الستی^{*}

۱- استادیار مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، تهران

چکیده

اخلاق سیاست‌گذاری شاخه‌ای از اخلاق کاربردی است که با تمرکز بر فرآیند سیاست‌گذاری می‌کوشد تحلیلی از انواع چالش‌های اخلاقی درگیر در این فرآیند و شیوه‌های رفع و رجوع آن چالش‌ها به دست دهد. مسائل و موضوعات مورد بحث در پیشینه اخلاق سیاست‌گذاری به غایت متنوع و متکثرند و تاکنون چارچوبی برای انتظام‌بخشی به کثیر موجود در این حوزه پیشنهاد نشده است. مقاله حاضر ضمن مروری بر این موضوعات متکثر از طریق اتکاء بر منابع نظری حوزه سیاست‌گذاری عمومی به طرح مدلی نظام‌مند از فرآیند سیاست‌گذاری می‌پردازد و این مدل را برای انتظام‌بخشی به موضوعات و تم‌های اخلاقی مرتبط با سیاست‌گذاری (و با تمرکز بیشتر بر سیاست‌گذاری علم و فناوری) به کار می‌برد. چارچوب توسعه داده شده در مقاله، مسائل اخلاقی مرتبط با سیاست‌گذاری را در پنج دسته اصلی طبقه‌بندی می‌کند: مسائل اخلاقی پیش از تصمیم‌گیری، مسائل اخلاقی پس از تصمیم‌گیری، مسائل اخلاقی مرتبط با ساختارهای اقتصادی-اجتماعی-نهادی مؤثر بر سیاست‌گذاری، مسائل اخلاقی ناشی از عملکرد گروه‌های ذینفع و بالاخره مسائل اخلاقی مرتبط با ایده‌ها و چارچوب‌های هنجاری در ذهن سیاست‌گذاران.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، اخلاق سیاست‌گذاری، سیاست‌گذاری عمومی، سیاست‌گذاری علم و فناوری، اخلاق کاربردی، چارچوب انتظام‌بخش

برای استنادات بعدی به این مقاله، قالب زیر به نویسندگان محترم مقالات پیشنهاد می‌شود:

Moussavi, A., & Alasti, K. (2019). A Framework for Systematic Analysis of Ethical Issues in S&T Policy. *Journal of Science & Technology Policy*, 11(2), 29-41. {In Persian}.

۱- مقدمه

با فرآیندهای سیاست‌گذاری درگیر هستند نیز نیاز خود را به وضوح مفهومی، چشم‌اندازهای نظری و تکنیک‌های عملی برای دست و پنجه نرم کردن با معضلات اخلاقی اعلام داشته‌اند. در نتیجه این تحولات، پیشینه اخلاق سیاست‌گذاری روز به روز در مسیر پیشرفت بوده و نهادها و مؤسساتی نیز اختصاصاً برای پرداختن به وجوه اخلاقی فرآیند سیاست‌گذاری در اقصی نقاط دنیا بوجود آمده‌اند. همان طور که در طول مثال‌های ارائه شده مشخص خواهد شد، پیشینه مورد نظر همچنین می‌تواند باز نمودی از رابطه اخلاق و سیاست‌گذاری در حوزه علم و فناوری نیز باشد. مروری بر کارنامه نیم قرن پژوهش در اخلاق سیاست‌گذاری نشان می‌دهد که موضوعات اصلی مورد بحث در میان

اخلاق سیاست‌گذاری را می‌توان شاخه‌ای نسبتاً جدید از اخلاق کاربردی دانست که هدفش تحلیل معضلات، دوره‌های و چالش‌های اخلاقی پیش رو در فرآیند سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی عمومی است. نضج‌گیری مطالعات اخلاقی درون حوزه سیاست‌گذاری به مثابه یک شاخه مطالعاتی مستقل حدود نیم قرن سابقه دارد. در خلال این بازه زمانی به مرور بر تعداد پژوهشگرانی که تلاش‌های خود را بر این موضوع متمرکز کرده‌اند افزوده شده است. در کنار این محققان، مقامات اجرایی و افرادی که به طور مستقیم

سیاست‌گذاری را هدایت کرده‌اند. در معرفی این مقولات عمدتاً بر دو کتاب تری کوپر^۱ [۲۰۱] که از آثار اصلی این حوزه هستند متکی و وام‌دار خواهیم بود.

۲-۱ نظریه مردم‌سالارانه و فرآیند سیاسی

موضوع مردم‌سالاری و حقوق شهروندی یکی از سراسرترین و واضح‌ترین ارتباطات را با بحث اخلاق سیاست‌گذاری به نمایش می‌گذارد. با فروپاشی دوگانه سیاسی^۲/سیاست‌گذاری^۳ و در هم فرورفتن مرزهای این دو حوزه در زمانه حاضر، این پرسش که سیاست‌گذاری چگونه با فرآیند مردم‌سالارانه ارتباط پیدا می‌کند قابلیت طرح یافته است. در حال حاضر، فاصله سنتی مفروض میان فعالان حوزه سیاست‌گذاری و حوزه شهروندی مورد انتقاد قرار گرفته و احیاء فضیلت‌های مردم‌سالارانه^۴ به عنوان ارزش اصلی و مرکزی حوزه سیاست‌گذاری مورد تأکید قرار دارد. نویسندگانی که به این موضوع می‌پردازند با بازخوانی سنت‌های اخلاقی و حقوقی شهروندی به ویژه در ایالات متحده، پیشنهاد می‌کنند که سنن اخلاقی عرفی و غیررسمی بهترین جهت‌گیری هنجاری را برای اخلاق سیاست‌گذاری به دست می‌دهند. در این زمینه، بر این امر تأکید می‌گردد که اخلاق سیاست‌گذاری می‌بایست در چارچوب بزرگتر اخلاق سیاسی مورد مطالعه قرار گیرد و عملکرد اخلاقی یک سیاست‌گذار باید با معیار «جهت‌گیری به سمت ایده‌آل‌های مردم‌سالارانه» قابل توجیه باشد.

حداقل دلیل توجیه این ادعا که جهت‌گیری به سمت ایده‌آل‌های مردم‌سالارانه به تصمیم‌گیری اخلاقی منجر می‌شود، این است که با ایده‌آل‌های مردم‌سالارانه (و با حذف فاصله میان سیاست‌گذاران و شهروندان) می‌توان سوگیری‌های ممکن در تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران را از بین برد. تصمیم‌گیری‌های دارای سوگیری، اخلاقی نیستند چرا که در آنها نه ملاحظات همه افراد، بلکه تنها ملاحظات گروه خاصی (که عموماً افراد قدرتمندتر یا ثروتمندتر هستند) لحاظ خواهد شد.

به عنوان مثال تصمیماتی که در مورد توزیع فناوری‌های جدید (فناوری نانو، فناوری‌های زیستی، فناوری‌های شناختی

محققان این حوزه به غایت متنوع و متکثر بوده‌اند. پاره‌ای پژوهشگران این حوزه بر تأثیر مردم‌سالاری و فرآیندهای مردم‌سالارانه بر رفتار اخلاقی در فرآیند سیاست‌گذاری متمرکز شده‌اند. برخی نیز با تکیه بر رویکرد اخلاق فضیلت، به انگیزه‌های اخلاقی درون شخصیت سیاست‌گذار پرداخته‌اند. دسته‌ای از محققان ارزش‌های اخلاقی بنیادین متجلی شده در بنیان‌گذاران و قوانین اساسی نظام‌های سیاسی و نقش آنان در هدایت رفتار امروزین سیاست‌گذاران را مطالعه کرده‌اند. دسته‌ای دیگر از پژوهشگران نیز به نحوه تأثیر سازمان و دیوان‌سالاری سازمانی بر تفکر و عمل اخلاقی متمرکز بوده‌اند. و پاره‌ای محققان کاربرد رویکردهای فلسفی و شناختی را در اخلاق سیاست‌گذاری به آزمون گذاشته‌اند.

در این جنگل متکثر و متنوع از موضوعات تحقیقی، فقدان نوعی چارچوب یا نگاه نظام‌مند که همه تم‌ها و مباحث زنده این حوزه را زیر چتر مفهومی واحدی قرار داده و نگاهی نظام‌مند به تحقیقات جاری در این حوزه ایجاد کند، به چشم می‌خورد که مقاله حاضر متکفل تدوین و معرفی چنین چارچوبی است.

در بخش‌های آینده، ابتدا تم‌های موجود و جاری حوزه اخلاق سیاست‌گذاری را با تفصیل مقتضی (و با ارائه مثال‌هایی از سیاست‌گذاری علم و فناوری) معرفی خواهیم کرد. سپس با استفاده از ذخایر نظری حوزه مطالعاتی سیاست‌گذاری عمومی به معرفی نوعی نگاه سیستمی به فرآیند سیاست‌گذاری خواهیم پرداخت و در نهایت، نشان خواهیم داد که این نگاه سیستمی چگونه می‌تواند چتری نظام‌بخش بر سر موضوعات و تم‌های موجود اخلاق سیاست‌گذاری بگسترده و علاوه بر آن، مجموعه‌ای از پرسش‌ها و مسائل جدید را برای پژوهش‌های آینده، پیش روی محققان علاقمند قرار دهد.

۲-۲ مقولات پایدار در پیشینه اخلاق سیاست‌گذاری

در حال حاضر، در نتیجه تحولات رخ داده در حوزه سیاست‌گذاری، پیشینه قابل توجهی نیز در حوزه اخلاق سیاست‌گذاری شکل گرفته است. برای بازخوانی سریع این پیشینه در اینجا به مرور شش مقوله اصلی می‌پردازیم که به شکلی پایدار در پنجاه سال اخیر مباحث اخلاق

1- Terry Cooper

2- Politics

3- Policy Making

4- Democratic Virtues

شجاعانه خواهد بود. به همین صورت کسی که دارای فضیلت مسئولیت‌پذیری است در شرایطی که جامعه یا فردی با خطر مواجه است رفتار او مسئولانه خواهد بود. از این رو با ورود مفهوم فضیلت به این حوزه، کم‌کم تأکید سنتی (و موجود) روی عمل اخلاقی و همچنین استدلال‌های پیرامون اصول ثابت اخلاقی به منظور رفع و رجوع دوراهی‌هایی که میان اعمال اخلاقی ایجاد می‌شود برداشته شده و در عوض، توجه محققان این حوزه به خصوصیات شخصیتی کاراکترهای درگیر در سیاست‌گذاری جلب شد. در این راستا فرض اصلی این است که این خصوصیات و فضایل شخصیتی باعث می‌شوند که شخص در بزنگاه‌های اخلاقی به طور خودکار تصمیم به لحاظ اخلاقی درستی را اتخاذ کند. خصوصیتی که به طور ویژه مورد بحث و آزمون‌های متعدد قرار گرفته است، خصوصیت «خیرخواهی» است که به صورت «عشق گسترده و غیرابزاری نسبت به دیگران» تعریف می‌شود.

تلاش‌های صورت‌گرفته برای دفاع از اخلاق فضیلت در این حوزه به طور مثال شامل استدلال علیه ساختن یک اجماع اخلاقی میان شهروندان حول مفاهیمی همچون برابری اجتماعی است. در برابر این اجماع اخلاقی و بجای آن، به نفع استقلال اخلاقی نزد سیاست‌گذاران استدلال می‌شود [۴].

برخی از پژوهشگران، ذیل مقوله اخلاق فضیلت، پیشنهادهایی مشخص درباره خصوصیات مطلوب در کاراکترهای اخلاقی در حوزه سیاست‌گذاری ارائه کرده‌اند. به طور مثال دو بل^۳ تعهدات سه‌گانه «مسئولیت‌پذیری در برابر رژیم»، «پاسخگویی فردی» و «حزم» را به عنوان خصوصیات اساسی مطرح کرده است [۵]. وی همچنین بر این نکته تأکید می‌کند که هیچ‌کدام از این خصوصیات به تنهایی برای عمل اخلاقی در حوزه سیاست‌گذاری کافی نیستند بلکه دربرداشتن هر سه آنها و حفظ میزانی از انسجام میان آنها (علیرغم تنش‌ها) می‌تواند به صداقت اخلاقی در حوزه عمومی بینجامد.

یکی از نمونه‌های بارز پرداختن به مفهوم فضیلت در اخلاق سیاست‌گذاری، کتابی است با عنوان «مدیران دولتی نمونه: کاراکتر و رهبری در حکومت» که توسط کوپر و رایت^۴ ویرایش شده است [۶]. در این کتاب، نتایج مطالعات کاراکتر

و اطلاعاتی) گرفته می‌شوند به لحاظ اخلاقی تصمیمات مهمی هستند چرا که (به واسطه جدید بودن این فناوری‌ها) ممکن است در آینده نزدیک تأثیرات فعالاً ناشناخته اما عمیقی در تغییر سبک زندگی افراد، در سلامت آنها و در نهایت در بقاء آنها داشته باشند. از این رو در تصمیم‌گیری در مورد فناوری‌های زیستی و فناوری‌های نانو (از محصولات تراریخته که توزیع آنها مورد اعتراض بسیاری از اقشار است گرفته تا بسته‌بندی‌های نانو که تبعات منفی آن برای سلامتی بشر و جامعه روشن نیست) نیاز است که ملاحظات همه در نظر گرفته شده و هرگونه سوگیری حذف شود. از این رو مشارکت‌دادن افراد از اقشار متفاوت (از طریق جهت‌گیری به سمت ایده‌ال‌های مردم‌سالارانه) می‌تواند تصمیم‌هایی از این جنس را اخلاقی‌تر کند.

همچنین در رویکردهای اخلاقی که اخیراً در حوزه سیاست نوآوری مطرح می‌شود تأکید زیادی بر اهمیت توجه به مسئولانه بودن فرآیند و محصول نوآوری وجود دارد. ایده‌هایی که در مورد نوآوری مسئولانه^۱ مطرح شده غالباً متفاوت و همچنان در حال شکل‌گیری است. با این حال در غالب رویکردها توجه به مشارکت دادن عامه در مراحل متفاوت تصمیم‌گیری مشاهده می‌شود [۳].

۲-۲ اخلاق فضیلت

مفهوم فضیلت^۲ از اواسط دهه ۱۹۸۰ وارد پیشینه اخلاق سیاست‌گذاری شد. این مفهوم بتدریج تبدیل به مقوله مهمی در این حوزه مطالعاتی شد. از آنجا که فضیلت‌ها خصلت‌هایی است که (نه به اعمال بلکه) به افراد نسبت داده می‌شود گاهی با واژه «کاراکتر» معادل قلمداد می‌شوند. فضیلت‌ها خصلت‌های استعدادی هستند که ممکن است به صورت ذاتی یا اکتسابی در فرد وجود داشته باشند. زمانی که فرد استعداد خاصی دارد به این معنی است که در شرایط مشخص، رفتار خاص (و عموماً مقبولی) نشان خواهد داد. به عبارت دیگر به ازای ورودی خاصی از موقعیت‌ها، خروجی‌های رفتاری خاصی توسط آن فرد ارائه خواهد شد. به عنوان مثال، کسی که دارای فضیلت شجاعت است، در شرایطی که با خطر مواجه می‌شود رفتار او نه محافظه‌کارانه و نه غیرعقلانی بلکه

3- J. Dobel
4- Cooper and Wright

1- responsible innovation
2- Virrue

جمعی ممکن است وجود داشته باشد. قوانینی که قیدهایی اخلاقی را برای تصمیمات سیاست‌گذاران ایجاد خواهد کرد. همچنین وجود اصلی در مدیریت ریسک و در بسیاری از قوانین جهانی که به عنوان «اصل‌های احتیاطی»^۱ شناخته می‌شود می‌تواند به محقق شدن ملاحظات اخلاقی خاصی در مورد فناوری‌های جدید کمک کند. اصل احتیاطی با دو قرائت قوی و ضعیف ارائه می‌شود: قرائت قوی از این اصل می‌گوید زمانی که احتمال خطر وجود دارد (حتی در صورت کامل نبودن شواهد و حتی در صورتی که تنها حدس‌هایی در مورد برخی خطرها وجود دارد) بهتر است اعمال تنظیمی صورت گیرد. قرائت ضعیف‌تر این اصل بیان می‌کند که نبود شواهد کافی در مورد خطرناک بودن چیزی، دلیل بر عمل نکردن (علیه خطرها) نیست. اصل احتیاطی می‌تواند به عدم قطعیت‌های موجود در فناوری‌های جدید اشاره کند. این اصل به ما اطمینان می‌دهد که خطرها (حتی اگر خوب تعریف شده و قابل فهم نباشند نیز) از نظر سیاست‌گذاران پنهان نمی‌مانند و [۷] اولین بیان این اصل به طور واضح در دومین کنفرانس بین‌المللی حفظ دریای شمال بود که در آنجا مطرح شد که حتی اگر شواهد علمی کافی برای اثبات اینکه ارتباط علی میان پرتوها و اثرات مخرب آن در گرمایش جهانی وجود نداشته باشد، بوم‌سازگان دریایی باید با بهترین فناوری‌های موجود مورد حفاظت قرار گیرد.

۲-۴ حمایت از اخلاق در بافتار سازمانی

یکی از دغدغه‌های عمده در پیشینه اخلاق سیاست‌گذاری، نحوه تأثیر سازمان و دیوان‌سالاری سازمانی بر تفکر اخلاقی و عمل اخلاقی بوده است. به طور مثال، جایگزین شدن ارزش‌های حرفه‌ای حوزه سیاست‌گذاری با منافع سازمانی همواره بحث داغی بوده است (مثلاً بنگرید به [۸]). در این راستا، یک خط مطالعاتی قابل توجه، پژوهش‌هایی است که بر روی شخصیت‌های افشاگر^۲ در سازمان‌های عمومی انجام شده است. شخصیت‌های افشاگر کسانی هستند که در سازمان برابر اقدامات غیراخلاقی سکوت نمی‌کنند و آشکارا به نقد و افشاگری آن اقدامات می‌پردازند. باور این شخصیت‌ها به اصول اخلاقی مطلق، مانع از این می‌شود که در فرآیند

بر روی یازده شخصیت نمونه در حوزه سیاست‌گذاری روایت شده است. هر یک از این مطالعات تلاش کرده‌اند تا کاراکتر یک فرد درگیر در فرآیندهای سیاست‌گذاری را به عنوان نمونه‌ای واقعی از فضایل ارزیابی کنند.

در حوزه سیاست‌گذاری علم و فناوری نیز، توجه به اخلاق فضیلت‌دار اهمیت است. به خطر افتادن یا تغییر در برخی از فضیلت‌های بشری می‌تواند موضوعی مهم در توجه بیشتر به فضایل اخلاقی در سیاست‌گذاری علم و فناوری باشد. به عنوان مثال استفاده از فناوری‌هایی که با زندگی مدرن همراه شده، در کنار تغییر دادن سبک زندگی، فضیلت‌های خاصی را نیز که در زندگی افراد وجود داشته تغییر داده یا به تباهی کشانده است. به عنوان مثال وجود فناوری‌های اطلاعاتی دیجیتال (که انتقال اطلاعات در آنها بدون نیاز به وساطت کاغذ و قلم و دیگر محیط‌های واسط انجام می‌شود) و همچنین شیوع شبکه‌های اجتماعی که قابلیت به اشتراک گذاشتن این گونه از اطلاعات را در سطح وسیعی دارا هستند شرایط جدیدی ایجاد کرده که برخی فضیلت‌ها از جمله احترام به حریم شخصی دیگران کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. از این رو سیاست‌گذاری اخلاقی در حوزه فناوری‌هایی از این جنس، نیاز به در نظر گرفتن این موارد خواهد داشت.

۲-۳ اخلاق در قوانین

در زمانه‌ای که جداسازی حوزه سیاست‌گذاری از حوزه سیاسی دیگر غیرممکن می‌نماید، یک گزینه منطقی برای تبیین مبانی اخلاقی سیاست‌گذاری، حرکت به سمت حوزه سیاسی است. ارزش‌های بنیان‌گذاران حوزه سیاسی و اصول قانون اساسی بدین ترتیب، همان طور که مبانی اخلاقی حوزه سیاسی را می‌سازد، می‌توانند مبانی اخلاقی حوزه سیاست‌گذاری را نیز بنا بگذارند. پس اگر اخلاق را قانون‌هایی درونی‌شده (در ذهن) قلمداد کنیم، می‌توان گفت که همواره این تمایل وجود دارد که آنچه در حوزه سیاسی و به عنوان «قانون» (و خارج از ذهن و عادات افراد) وضع می‌شوند، در درون افراد، نهادینه شوند.

از مثال‌هایی که برای تأکید بر تأثیر ارزش‌های مستتر در قانون‌ها و اسناد می‌توان یاد کرد تأکیدی است که در قانون یک کشور در استفاده نکردن و توسعه ندادن سلاح‌های کشتار

1- Precautionary Principle
2- Whistleblowers

مفاهیم‌اند؟ این پرسش‌ها گاه و بیگاه در پیشینه اخلاق سیاست‌گذاری مطرح بوده و هنوز هم مطرح هستند. فرانک فیشر^۳ یکی از محققانی است که هم از رویکرد اثبات‌گرایی اولیه در اخلاق سیاست‌گذاری و هم از رویکردهای پس‌اثبات‌گرایی اخیر در این حوزه انتقاد می‌کند [۱۰]. به طور خاص، او تمرکز بر «برابری اجتماعی» و همین طور «ارزش‌های رژیم حاکم» را به عنوان مبنایی برای اخلاق سیاست‌گذاری نقد و نفی می‌کند. به جای این‌ها، او پیشنهاد می‌کند که گفتمان اخلاق در سیاست‌گذاری عمومی مبنای خود را در فلسفه تحلیلی جستجو کند.

یکی از نمونه‌های این سبک و سیاق، استوارت^۴ [۱۱] است در مقاله‌ای با عنوان «مبانی نظری اخلاق در سیاست‌گذاری عمومی: رویکردهایی برای فهم عمل اخلاقی» تلاش می‌کند تا به فراسوی مکتب احساسات‌گرایی^۵ (یعنی مکتبی که معتقد به تقلیل انگیزه‌های اخلاقی به احساسات بشری است) رفته و مبنایی شناختی برای تحلیل اخلاقی بگذارد. مرکز توجه پروژه استیوارت، رویکردهای «دلایل خوب»^۶ است. نکته اساسی استیوارت این است که این رویکردها به شیوه‌های مختلف برای یک بررسی کامل و کافی در زمینه اخلاق سیاست‌گذاری لازم‌اند.

بر خلاف اخلاق توصیفی که در آن، از چیستی رفتار و کردار افراد یک سازمان یا جامعه (فارغ از اینکه به لحاظ عقلانی موجه‌اند یا خیر) صحبت می‌شود، در اخلاق هنجاری، چرایی یک عمل اخلاقی مورد بحث است. به عبارت دیگر در اخلاق هنجاری به دنبال دلایل عقلانی برای اخلاقی بودن این رفتارها خواهیم بود. در رویکرد هنجاری برای باید‌ها (و اینکه چرا می‌گوییم که عمل خاصی باید انجام شود) دلایل ارائه می‌شود.

در چگونگی توجیه باید‌هایی که به اعمال نسبت داده می‌شوند حداقل می‌توان از دو مکتب متفاوت نام برد: مکتب وظیفه‌گرایی و مکتب نتیجه‌گرایی^۷. هر عملی، از دو جزء

اجتماعی شدن در سازمان، هم‌رنگ جماعت شوند و حساسیت خود را نسبت به اعمال غیراخلاقی از دست بدهند. از میان تحقیقات دیگری که حول مقوله زمینه سازمانی انجام شده است، فیوره، برانک و میر^۱ [۹] به مطالعه رابطه میان اخلاق حرفه‌ای و اهداف تجاری پرداختند. بر مبنای پیمایشی روی ۳۳۰ مدیر سازمانی، نتیجه گرفتند که فشار روی اهداف اقتصادی به کاهش حمایت از اخلاق حرفه‌ای می‌انجامد. این در حالی است که افزایش فشار روی اهداف غیراقتصادی تمایل به اخلاق حرفه‌ای را افزایش می‌دهد.

گذری به برخی بحث‌ها در زیست‌شناسی تکاملی^۲، دید عمیق‌تری به موضوع خواهد داد: یکی از مناقشه‌برانگیزترین سؤالات در زیست‌شناسی این است که چطور بسیاری از موجودات زنده، منافع فردی را به نفع منافع جمع کنار می‌گذارند. زنبورهای کارگر در کندو از عملکرد خود سود فردی نمی‌برند با این حال فرایندهای تکامل، تا به امروز آنها را از گردونه حیات خارج نکرده است.

همانند آنچه در مورد گونه‌های جانوران وجود دارد حفظ بقاء سازمان نیز ممکن است به از بین رفتن بقاء فرد منجر شود. شخصیت‌های افشاگر (که از آنها صحبت شد) شاید صرفاً به خاطر ایفای همین نقش خطرات اجتماعی زیادی را متحمل شوند. با این حال (مشابه آنچه در زیست‌شناسی قابل مشاهده است) همیشه دلایلی وجود دارد که بقاء آنها را (که به حفظ مناسبت‌های اخلاقی سازمان و در نتیجه بقاء سازمان کمک خواهند کرد) تضمین کند. به عنوان مثال اگر سیاست‌های یک سازمان به نحوی باشد که بتواند افرادی را که بقاء آن سازمان را حفظ می‌کنند شناخته و ترتیبی برای اینکه آنها نیز از عملکرد خود نفع کافی ببرند (و به آنها تضمین داده شود که از خطر مصون هستند) ایجاد کند آنگاه سیاست‌گذار نیز به مسئولیت اخلاقی خود عمل کرده است.

۲-۵ نظریات فلسفی حامی اخلاق سیاست‌گذاری

رویکردهای مناسب فلسفی برای مطالعه اخلاق سیاست‌گذاری کدامند؟ جهت‌گیری‌های درست روش‌شناختی چطور؟ مفاهیم اصلی و پایه در این حوزه مطالعاتی کدام

3- Frank Fischer,
4- D. W. Stewart,
5- Sentimentalism
6- Good reasons

۷- مکتب اخلاقی مهم دیگر (بجز دو موردی که به آن اشاره شده است) فضیلت‌گرایی است که نه به اعمال بلکه به شخصیت و کاراکتر افراد اشاره دارد. این رویکرد در بند دیگری مورد بررسی قرار گرفت.

1- Fiore, Brunk, & Meyer

۲- موضوع مورد بحث در زیست‌شناسی تکاملی نیز (همانند اقتصاد) رقابت میان

[۱۴و۱۳] ارائه کرده‌اند، افراد (و جوامع) طی فرآیند رشد، شش مرحله استدلال اخلاقی را پشت سر می‌گذارند. این مراحل، شمایی از تکامل استدلال اخلاقی را به دست می‌دهند، به این معنا که از رهگذر آنها کفایت فرد برای استدلال اخلاقی افزایش می‌یابد. سرعت ارتقاء به مراحل بعدی در افراد مختلف متفاوت است و حتی شاید فردی به مراحل بالاتر دست نیابد. با این حال یک اصل مهم در این نظریه وجود دارد: افزایش دانش و تجربه به رشد اخلاقی فرد مدد می‌رساند، به این معنی که موقعیت او را در مراحل رشد اخلاقی ارتقاء می‌دهد و او را در استدلال اخلاقی تواناتر می‌کند. به عبارت دیگر، شیوه‌های استدلال اخلاقی فرد در طول مراحل رشد او دگرگون می‌شود. کوهلبرگ این مراحل رشد را در سه مرحله کلی می‌نشانند، به طوری که از سطح پیشاقراردادی که مبتنی بر تنبیه و پاداش است آغاز می‌شود، به سطح قراردادی که پایه استدلال اخلاقی را دغدغه نظم و هنجارهای اجتماعی می‌سازند گذر می‌کند و در مرحله پیشرفته، به سطح پساققراردادی می‌رسد که در آن قوانین درونی شده و جهان‌شمول اخلاق پایه یک استدلال اخلاقی قرار می‌گیرند [۱۴و۱۳].

تحقیقات تجربی استوارت و اسپرینتال^۳ نیز کاربرد و توسعه نظام‌مند نظریه‌های رشد اخلاقی-شناختی را نمایندگی می‌کنند. تحقیقات این دو به این موضوع می‌پردازد که سیاست‌گذاران و مدیران حوزه عمومی چگونه به معضلات اخلاقی می‌اندیشند. پژوهش‌های استیوارت و اسپرینتال همانند تحقیقات کوهلبرگ تحقیقاتی میان فرهنگی هستند و به طور مثال شامل مطالعاتی در لهستان و روسیه می‌شوند [۱۵]. این مطالعات آغازگر راهی بوده‌اند که تا روزگار ما ادامه دارد و در آینده نیز ادامه خواهد داشت.

در بسیاری از موارد این امکان وجود دارد که با تحلیل سودها و زیان‌های انجام یک عمل، توضیح دهیم که چرا فرد خاصی انجام دادن عمل خاصی (به عنوان مثال یک عمل غیراخلاقی همانند انجام یک سوءرفتار علمی یا موارد مشابه) را انتخاب کرده است. چنین توضیحاتی می‌تواند یک سیاست‌گذار را در پیش‌بینی، کنترل یا هدایت آن اعمال کمک کند. به عنوان مثال در توضیح چرایی انجام سوءرفتارهای علمی همانند تقلب،

تشکیل شده است: اول قصدی درونی برای انجام آن عمل و دوم نمود فیزیکی آن عمل که نتیجه‌ای نیز به همراه دارد که به تغییری در وضع‌امور جهان منجر می‌شود. اگر ارزش‌ها را بر خود عمل (یعنی بر قصد و نمود فیزیکی آن) نسبت دهیم وظیفه‌گرا خواهیم بود و اگر آن ارزش را به نتیجه‌ای که به بار می‌آورد نسبت دهیم نتیجه‌گرا خواهیم شد. افشاگری سوءرفتارهای علمی، عملی است که شاید نتایج آن (حداقل در ابتدا) ارزشمند به نظر نرسد و محاسبه سود و زیان آن برای افراد یک سازمان انجام‌پذیر نباشد، اما از آنجا که راستگویی عملی ارزشمند قلمداد می‌شود از منظر وظیفه‌گرایی (از همان ابتدا) افشاگری ارزشمند قلمداد خواهد شد. لذا هر کدام از این مکاتب به نحو خاصی ممکن است یک موضوع خاص را ارزش‌گذاری کنند.

هر چند همیشه مناقشاتی در مورد این گونه از استدلال‌ها وجود دارد اما همیشه نیز می‌توان امیدوار بود که استفاده از آنها بتواند تصمیم‌گیری را اخلاقی‌تر کند. به عنوان مثال در نظر گرفتن و محاسبه نتایجی که پذیرفتن یا نپذیرفتن یک سیاست خاص (مثلاً در تولید و توزیع محصولات تراریخته) وجود دارد می‌تواند آن تصمیم را به تصمیمی اخلاقی مبدل کند. عرضه این محصولات از این بابت که می‌تواند میزان زیادی فرآورده‌های غذایی در اختیار دیگران قرار دهد باید انجام شود [۱۲]. اما از آنجا که به نظر می‌رسد ممکن است این محصولات (از آن جهت که تکامل آنها با تکامل انسان که مصرف‌کننده آن است هماهنگ نبوده) نتایج نامطلوب (و تا به امروز ناشناخته‌ای) نیز به همراه داشته باشد نیازمند نوعی کنترل نیز خواهند بود. در نظر گرفتن همه این ملاحظات می‌تواند تصمیم یک سیاست‌گذار را اخلاقی یا غیراخلاقی کند.

۲-۶ رویکردهای شناختی به توسعه اخلاقی

در کنار رویکردهای فلسفی که غالباً هنجاری^۱ هستند رویکردهای توصیفی برآمده از نظریه‌های رشد اخلاقی در علوم شناختی نیز در حوزه اخلاق سیاست‌گذاری به کار برده شده‌اند. کارهای لارنس کوهلبرگ در این زمینه به عنوان نقطه آغاز قابل توجه‌اند. طبق دیدگاهی که کولبی و کوهلبرگ^۲

3- Stewart and Sprinthal

1- Normative
2- Colby and Kohlberg

د) نظریه انتخاب عاقلانه^۴: ترجیحات و چانه‌زنی‌های بازیگران سیاسی به تصمیمات و خروجی‌ها شکل می‌بخشند. این چانه‌زنی‌ها در هیأت رشته‌ای از بازی‌ها میان عناصر مشارکت‌کننده صورت می‌بندند که در آن بازی‌ها، ساختار انتخاب‌های ممکن از طریق شرایط نهادی و اقتصادی-اجتماعی تعیین می‌شوند.

ه) رویکرد ایده‌محور^۵: ایده‌های مرتبط با راه‌حل مسائل سیاست‌گذارانه زندگی مستقل خویش را دارند. ایده‌ها و اندیشه‌ها در فضای سیاسی منتشر می‌شوند و در اذهان نفوذ پیدا می‌کنند و به شکلی مستقل از منافع یا مقدم بر آنها بر روی خروجی‌ها تأثیر می‌گذارند.

هر یک از رویکردهای پنج‌گانه فوق به نوبه خویش می‌کوشند تا مهم‌ترین عوامل و سازوکارهای تولید سیاست در یک نظام سیاسی را مشخص سازند. هر کدام از آنها بُعدی از ابعاد فرآیند سیاست‌گذاری را به عنوان عامل اصلی معرفی می‌کنند و آن را برجسته می‌سازند. پیتر جان [۱۶] در کتاب خویش پس از یک بررسی مفصل و نقادانه روی یکایک رویکردهای فوق، بر آن می‌رود که هر کدام از این رویکردها تنها بخشی از واقعیت را مورد ملاحظه قرار داده و تبیینی جزئی از امور به دست می‌دهند. آنها معمولاً مثال‌هایی را مورد اشاره و بحث قرار می‌دهند که چشم‌انداز و دستگاه فکری خودشان را تقویت می‌کند و در نتیجه بخش‌هایی از تصویر را خارج از دید قرار می‌دهند. برخی از این رویکردها برای تبیین ثبات سیاسی مناسب هستند در حالی که از توضیح تغییرات عاجزند. برخی برعکس، تغییرات را به خوبی تبیین می‌کنند. اما از توضیح دادن روندها و الگوهای با ثبات و مکرر عاجزند. راه حل پیشنهادی پیتر جان برای بهبود این وضعیت، رفتن به سمت نوعی رویکرد تلفیقی در مطالعه سیاست‌گذاری است. تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری از یک منظر تلفیقی برآیندی از تعامل فرآیندهای گوناگون است. به طور مثال، انتخاب فردی بازیگران سیاسی با نهادها در تعامل اند و ایده‌ها به طور مستمر با منافع فردی و جمعی بده بستان دارند. وی مشخصات کلی این رویکرد تلفیقی را بدین شکل مطرح می‌سازد:

جعل یا تحریف آثار علمی، می‌توان به این توجه کرد که اگر هزینه کشف‌شدن یک سوءرفتار علمی، به نسبت سودی که در نتیجه کشف نشدن آن عمل ایجاد می‌شود کم باشد، (و احتمال کشف شدن آن سوءرفتار نیز زیاد نباشد) سوءرفتار علمی عملی دارای توجیه عقلانی محسوب خواهد شد. در این موارد است که به نظر می‌رسد که سیاست‌گذار با اطلاع از این شرایط (و تغییر دادن آن) می‌تواند به نحوی شیوع این نوع از رفتارها را کنترل کند.

۳- چارچوبی برای تحلیل ابعاد اخلاقی سیاست‌گذاری

این بخش از مقاله خود شامل دو زیربخش خواهد بود. در قسمت اول، رویکردهای نظری در تحلیل فرآیند سیاست‌گذاری معرفی می‌شوند و تلفیقی از این رویکردها ارائه خواهد شد. در قسمت دوم خواهیم دید که این مدل‌ها و رویکردهای نظری چه کمکی در نظام‌بخشی به مسائل موجود اخلاق سیاست‌گذاری و تعریف مسائلی برای تحقیقات آینده می‌کنند.

۳-۱ نظریه سیاست‌گذاری

رویکردهای موجود در مطالعه سیاست‌گذاری به بهترین نحو توسط پیتر جان در کتاب تحلیل سیاست‌گذاری عمومی [۱۶] مورد بازخوانی و مرور قرار گرفته است. پیتر جان نظریه‌ها و رویکردهای تحلیل سیاست‌گذاری را در پنج طبقه عمده جای می‌دهد که مشتمل بر طبقات زیرین اند:

الف) رویکرد نهادی^۱: سازمان‌های سیاسی همچون پارلمان، نظام‌های حقوقی و بوروکراسی‌ها عواملی هستند که خروجی فرآیندهای سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی را مشخص می‌سازند و به سیاست شکل می‌بخشند.

ب) رویکرد شبکه‌ای^۲: انجمن‌ها و شبکه‌های روابط غیررسمی چه درون و چه بیرون نهادهای سیاسی نتایج سیاست‌گذاری را معین می‌کنند.

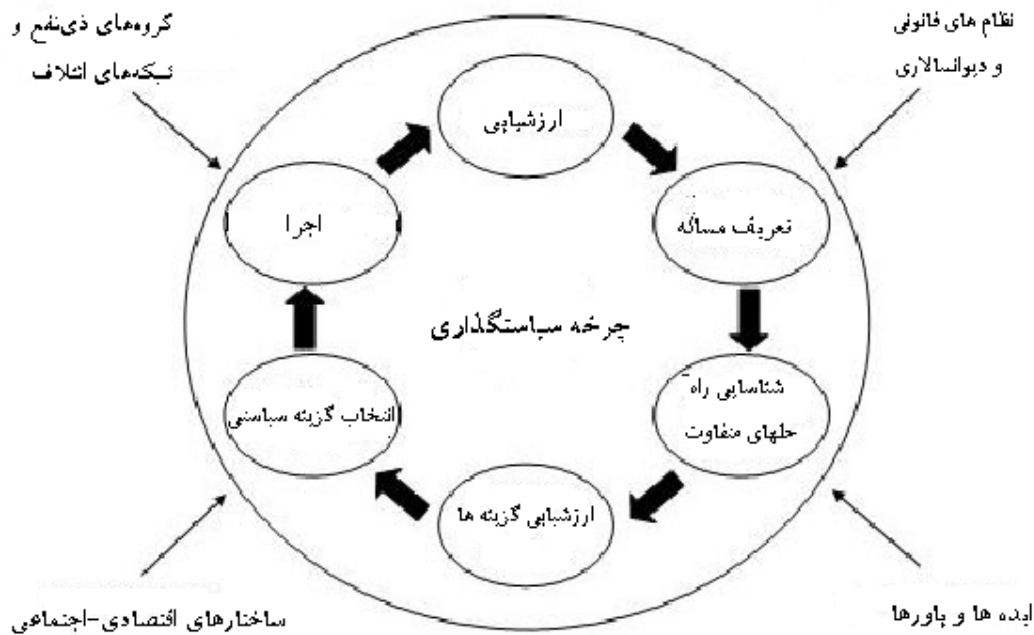
ج) رویکرد اقتصادی-اجتماعی^۳: عوامل اقتصادی و اجتماعی احاطه‌کننده فضای سیاسی مشخص می‌سازند که کدام تصمیمات گرفته می‌شوند و خروجی فرآیندهای سیاست‌گذاری را معین می‌کنند.

4- Rational Choice Theory
5- Ideas-based Approach

1- Institutional Approach
2- Group & Network Approach
3- Socio-economic Approach

به بهترین وجهی توسط رویکرد انتخاب عاقلانه توصیف گردیده است. عناصری همچون تعریف مسئله، تعیین راه حل‌های ممکن، ارزیابی انتخاب‌ها، انتخاب یک راه حل، اجرا و در نهایت ارزیابی نتایج، کلیت حلقه مرکزی را تشکیل می‌دهند. سامانه سیاست‌گذاری علاوه بر این شامل عوامل محدودکننده‌ای است که در محیط حلقه مرکزی قرار دارند و عملکرد آن حلقه را محدود می‌سازند و انتخاب‌هایش را تحت تأثیر قرار می‌دهند. نهادهای سیاسی و حقوقی، شبکه روابط مبتنی بر منافع و ساختارهای اقتصادی-اجتماعی سه دسته اصلی از عوامل تحدیدکننده عملکرد حلقه را تشکیل می‌دهند که هر یک در یکی از رویکردهای نظری اشاره شده در بالا به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرند. عامل چهارم، یعنی ایده‌ها اگر چه نمی‌تواند به طور کامل به عنوان عاملی محدودکننده در نظر آورده شود اما به هر شکل عاملی نسبتاً مستقل است که ماهیت حلقه مرکزی را متأثر می‌سازد (رجوع به شکل ۱).

«استدلال ما این است که رویکردها می‌توانند بدین شکل با هم پیوند یابند که تحلیل‌گر میان عوامل محدودکننده عمل و علت‌های عمل، تفاوت قائل شود. بدین ترتیب، نهادهای الگوهای روابط شبکه‌ای و گروهی و ساختارهای اقتصادی-اجتماعی، محدودیت‌های عمل انسانی را تشکیل می‌دهند و البته این محدودیت‌ها گاه می‌توانند به طور مستقل تغییر نمایند. بازیگران فردی موتور تغییر هستند و مبنایی برای عمل فراهم می‌آورند. ایده‌ها در این میان به بازیگران انسانی هدف و آرمان می‌بخشند و راه‌هایی برای ابراز منافع این بازیگران فراهم می‌کنند. آنچه معمای اصلی را در این بین تشکیل می‌دهد کشف سازوکاری است که این فرآیندها از آن طریق، در زمان‌ها و مکان‌های مختلف به تعامل می‌پردازند» [۱۶]. این چارچوب تلفیقی را اگر بخواهیم با استفاده از واژگان مرسوم در نظریه سیستم‌ها بیان کنیم، می‌توانیم بگوییم که تصمیم‌سازی سیاسی اساساً عبارت است از یک «سامانه سیاست‌گذاری». این سامانه شامل یک حلقه مرکزی است که



شکل ۱) شمایی از سامانه سیاست‌گذاری عمومی

فشار قرار می‌گیرد^۱ و خروجی این نظام در نهایت برآیندی خواهد بود از کلیت این تعاملات.

برای تحصیل درک ساده‌ای از این سامانه می‌توانیم تصور کنیم که فرد یا تیم سیاست‌گذار در وسط این سامانه نشسته و مشغول محاسبات عقلانی برای تصمیم‌سازی است. این بازیگر اصلی توسط چهار عامل از بیرون حلقه تحت تأثیر و

۱- واژه «برون» در اینجا به هر آنچه بیرون از عقلانیت عرفی اشاره دارد. واضح است که برخی از عوامل محدودکننده از درون شخصیت سیاست‌گذار سرچشمه می‌گیرند. سیاست‌گذار به عنوان مثال ممکن است خود عضوی از یک گروه ذی‌نفع باشد و دیدگاهها و منافع آن گروه را حین فرآیند تصمیم‌سازی نمایندگی نماید.

خود با آن معضلات دست و پنجه نرم می‌کند.

۲-۳-۱ چالش‌های اخلاقی پیش از تصمیم‌گیری

هسته فرآیند سیاست‌گذاری (در شکل ۱) را می‌توانیم به دو بخش «پیش از تصمیم‌گیری» و «پس از آن» تقسیم کنیم. مرحله پس از تصمیم‌گیری شامل عناصری همچون اجراء، ارزیابی، یادگیری و پویایی‌های سیاستی است که بررسی اخلاقی آنها را تا بخش آینده به تعویق می‌اندازیم. بحث ما در این بخش ناظر بر مرحله پیش از تصمیم‌گیری است که شامل عناصری همچون تعریف مسئله، تنظیم دستور کار و تحلیل امکان‌پذیری^۱ می‌شود.

همان‌طور که ماژونه [۲۰] ابراز می‌کند: در مورد نحوه شکل‌گیری مرحله پیش از تصمیم‌گیری هیچ الگویی که از پذیرش عام برخوردار باشد وجود ندارد. در این زمینه حتی شناخته‌شده‌ترین مدل‌ها فاقد عمومیت بوده و عمدتاً توصیفی هستند. جنبه‌هایی از مرحله پیش از تصمیم‌گیری مانند نقش گروه‌های ذینفع و کارآفرینان سیاسی و سیاستی یا اهمیت ائتلاف‌های مسئله‌محور به طور نسبی بیشتر مطالعه شده و شناخته‌شده‌ترند. با این وجود، این احتمال همیشه وجود دارد که برخی از افراد و نهادهای مشخص در حوزه تعریف مسئله و تنظیم دستور کار از نفوذی انحصاری برخوردار باشند.

فرآیند دیگری که در حوزه تنظیم دستور کار نقش ایفاء می‌کند و می‌بایست مدنظر باشد فرآیند مردم‌سالارانه است و بنابراین مطالعه پیوندهای میان مطالعه دستور کار و نظریه مردم‌سالارانه می‌تواند بینش قابل توجهی برای محققان این حوزه فراهم آورد.

انتخاب و تدوین اولویت‌ها نیز موضوع مهمی در چارچوب تنظیم دستور کار است. این مسئله نقش ویژه‌ای در تنظیم ریسک ایفاء می‌کند، جایی که خطا در تعیین اولویت‌ها می‌تواند هزینه فرصت‌های جبران‌ناپذیری در پی داشته باشد.

و بالاخره موضوع مهم دیگری که در مطالعه مرحله پیش از تصمیم‌گیری می‌بایست مدنظر باشد مسئله فشارهای بین‌المللی است. در واقع، فشارهای بین‌المللی ممکن است کیفیت دستورکارهای ملی را ارتقاء داده و اولویت‌ها و انتخاب‌های ملی را تحت تأثیر قرار دهند.

این تصویر از مرحله پیش از تصمیم‌گیری و عوامل مؤثر در

شکل ۱ البته تنها عکسی فوری و به غایت ساده از پیچیدگی‌های ذاتی فرآیند سیاست‌گذاری در اختیار ما قرار می‌دهد. به طور مثال حلقه مرکزی در این نظام نماینده‌ای از یک روند یا حرکت پیش‌رونده یک‌طرفه نیست. همان‌طور که ساباتیئر خاطر نشان می‌سازد این حلقه را باید به عنوان فرآیندی شامل فرمول‌بندی مکرر سیاست، اجرای همراه با دشواری‌ها و تلاش‌های دائمی برای بازفرمول‌بندی تصمیمات در نظر گرفت [۱۷].

سازوگار تأثیرگذاری عوامل محیطی بر حلقه مرکزی نیز موضوعی برای بررسی‌ها و بحث‌های طولانی و عمیق است. به طور خلاصه می‌توان گفت که نهادها مشتمل بر سازمان‌های سیاسی، نظام‌های حقوقی و بوروکراسی‌ها از طریق قراردادن قواعدی برای بازی سیاسی، امکان حرکت روی صحنه را تا حدی محدود می‌سازند. گروه‌های ذینفع در هیأت اپوزیسیون یا شبکه‌های ائتلاف حول موضوعات خاص از طریق اعمال فشار بر تصمیم‌گیرندگان آنها را مجبور می‌سازند تا بخش‌هایی از سیاست‌های مورد علاقه‌شان را مورد مصالحه قرار دهند [۱۸]. عوامل خارج از فضای سیاسی، همچون تغییرات در شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، منابع قدرت و ماهیت مسائل سیاسی را تغییر می‌دهند [۱۹] ایده‌ها و ایدئولوژی‌ها نیز فرآیندهای تصمیم‌سازی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و گاه بر منافع سبقت می‌گیرند.

سامانه سیاست‌گذاری آن‌طور که در سطور فوق به شکل مجمل توصیف گردید چارچوبی است برای تبیین و درک پویایی‌های درون مرزهای این سیستم در یک واحد ملی. در ادامه بحث خواهیم دید که این چارچوب، ابزار قدرت‌مندی برای صورت‌بندی نظام‌مند مسائل اخلاق سیاست‌گذاری در اختیار ما می‌گذارد.

۲-۳-۲ صورت‌بندی نظام‌مند پرسش‌ها

مدنظر قرار دادن سامانه سیاست‌گذاری آن‌طور که در شکل ۱ به نمایش درآمده به ما کمک می‌کند تا موضوعات و مسائل اخلاق سیاست‌گذاری را دسته‌بندی کرده و به شکلی نظام‌مند با آن مسائل مواجه شویم. در بحثی که در ادامه این بخش خواهد آمد، خواهیم دید که هر یک از اجزای نظام سیاست‌گذاری مباحث و معضلات اخلاقی مخصوص به خود را پیش می‌کشد و مطرح می‌سازد و بنا بر شرایط و مقتضیات

ارزش‌ها و ملاحظات اخلاقی نیز ظرفیت بالایی برای تحقیق وجود دارد. همان‌طور که وونز^۱ و همکاران [۲۲] خاطرنشان می‌کنند، ارزیابی سیاستی عملی ذاتاً هنجاری، یعنی موضوع قضاوت سیاسی است. تلاش‌های محققانه در بهترین حالت می‌توانند منطق پژوهش و سنت جستجوی بی‌طرفانه حقیقت را وارد دنیای سیاست‌گذاری کنند، ولی قادر نیستند بر آن تسلط یابند. در دنیای آرمانی تحلیل سیاستی، معمولاً ارزیابی سیاست را به عنوان یکی از ابزارهای ضروری شناسایی بازخوردها و یادگیری و از این رو بهبود معرفی می‌کنند. اما در دنیای واقعی سیاست‌ها، ارزیابی همیشه با خطر کاهش اعتبار روبروست تا آنجا که آن را عملی صوری و میان‌تهی یا بازی‌ای می‌دانند که برای سرزنش دیگران اجرا می‌شود. روشن است که این بازی سرزنش می‌تواند از طریق مجموعه‌ای از محدودیت‌های اخلاقی کنترل شده و به سمت توجه به منافع عمومی هدایت گردد.

۳-۲-۳ ابعاد اخلاقی ساختارهای حقوقی و اقتصادی-اجتماعی

در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی مدل مسلط در مطالعات سیاست‌گذاری یک مدل «جامعه‌محور» بود [۲۳] در این نوع نگاه به فرآیند سیاست‌گذاری، سیاست‌ها به عنوان جمع‌بندی عملکرد گروه‌های فشار یا خروجی تمایلات بلندمدت اجتماعی در نظر گرفته می‌شدند. از این منظر، منافع اجتماعی متنوع از طریق تشکیل گروه‌های فشار برای دستیابی به منافع دولتی با هم رقابت می‌کردند. صاحبان این منافع برای رسیدن به منابع حکومتی و تصویب امتیازات انحصاری از راه‌های متعدد وارد می‌شدند و اعمال فشار می‌کردند. البته محدودیت‌هایی مثل عضویت چندگانه حامیان گروه (عضویت هم‌زمان آنها در گروه‌های مختلف اجتماعی) مانع افراط‌گری رهبران گروه می‌شود. محدودیت‌هایی از این قبیل مانع تخطی گروه‌ها و دولت از قواعد بازی می‌شود و در این شرایط، لابی‌گروه‌های ذینفع به تولید سیاست‌های عمومی کارآمد و مردم‌سالارانه می‌انجامد. با این ترتیب، فرآیند سیاست‌گذاری، ساز و کاری برای نمایندگی منافع شهروندان در نهادهای دولتی ارائه می‌دهد و از این طریق هم مردم‌سالاری را کنترل می‌کند و هم حکومتی پاسخگو پدید می‌آورد. این مدل

شکل‌گیری آن به وضوح مطالعه اخلاقی ما را در مسیر مشخص و روشنی می‌اندازد: نسبت گروه‌ها و ائتلاف‌های مسئله‌محور و ذینفع با اخلاق و رفتار اخلاقی چیست؟ افراد و نهادهای صاحب نفوذ انحصاری در تعریف مسئله و تنظیم دستورکار کدام ارزش‌های اخلاقی را در عملکرد سیاسی و سیاستی خود لحاظ می‌کنند؟ رابطه میان فرآیندهای مردم‌سالارانه و تصمیم‌گیری اخلاقی چگونه شکل می‌گیرد؟ آیا اولویت‌گذاری در تنظیم دستورکار از ملاحظات اخلاقی تأثیر می‌پذیرد؟ فشارهای ناشی از روند رو به تزاید جهانی شدن چگونه دولت‌های ملی را در زمینه رعایت ارزش‌های جهانی و حقوق بشر در فرآیندهای تعریف مسئله و تنظیم دستور کار ملی تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

هر کدام از این پرسش‌ها به وضوح می‌تواند مسیر روشنی را در حوزه اخلاق سیاست‌گذاری به روی محققان علاقمند بگشاید.

۳-۲-۳ چالش‌های اخلاقی پس از تصمیم‌گیری

اجرا، ارزیابی و یادگیری سیاستی چگونه با ملاحظات اخلاقی درگیر می‌شوند؟ در زمینه اجرای سیاست‌ها، یک مثال روشن اجرای سیاست‌های عمومی حوزه سلامت است که با بحث تغذیه گره می‌خورند. هرلیمان و همکارانش [۲۱] در یک پژوهش در این زمینه به موضوعاتی مثل پیشگیری از چاقی و درمان آن، پیشگیری و درمان سوءتغذیه، موضوع شیر دادن نوزادان، ویتامین‌ها و مواد معدنی تکمیلی، امنیت غذایی، سالم بودن مواد غذایی و چندین مورد دیگر می‌پردازند. این تحقیق به خوبی گستره‌ها، انواع و ماهیت‌های متنوع دخالت‌های سیاستی در این حوزه را به نمایش می‌گذارد و متن‌های اجتماعی متفاوتی را به تصویر می‌کشد که این سیاست‌ها در آنها به اجرا در می‌آید و علاوه بر این، آرایه متنوع موضوعات اخلاقی مرتبط با آن سیاست‌ها را نیز نشان می‌دهد. هرلیمان و همکاران او اذعان می‌دارند که موضوعات اخلاقی تنها می‌تواند با در نظر داشتن پیچیدگی‌های هر نظم اجتماعی خاص مورد بحث قرار گیرند. در نتیجه، در حالی که چارچوب‌های کلی اخلاقی یقیناً می‌توانند سودمند باشند، نمی‌توان انتظار داشت که رهنمودهای عملی کافی برای مجریان سیاست‌های سلامت عمومی فراهم آورند.

در خصوص نسبت میان ارزیابی و یادگیری سیاستی با

تصویری از تعامل و تعاطی منافع گوناگون و بعضاً متضاد را در فرآیند سیاست‌گذاری برای ما به نمایش می‌گذارد. یکی از نقدهای وارد شده بر این نگاه منفعت‌محور معمولاً از جانب ایده‌آلیست‌ها مطرح می‌شود که سیاست‌گذاری را اساساً ناشی از ایده‌ها، اندیشه‌ها و چارچوب‌های ذهنی سیاست‌گذاران می‌دانند که جلوتر از منافع فردی و گروهی به سیاست‌ها و تصمیمات شکل می‌بخشند. این رویکرد ایده‌آلیستی حتی اگر به عنوان جانشینی تام و تمام برای رویکردهای منفعت‌گرا در نظر گرفته نشود، دست کم اهمیت ایده‌ها را به عنوان حلقه‌ای در زنجیره علل مؤثر بر فرآیند سیاست‌گذاری روشن می‌سازد. کمبل در مقاله‌ای با عنوان «ایده‌ها، سیاست و سیاست‌گذاری عمومی» [۲۴] دسته‌بندی نسبتاً جامعی از انواع ایده‌ها و نحوه تأثیر هر دسته بر فرآیند سیاست‌گذاری به دست می‌دهد. از نظر کمبل پنج طبقه اصلی از ایده‌ها در فرآیند سیاست‌گذاری دخیل هستند:

- پارادایم‌های شناختی و جهان‌بینی‌ها

- چارچوب‌های هنجاری^۱

- فرهنگ جهانی

- پیش‌فرض‌ها و قالب‌ها^۲

- ایده‌های برنامه‌ای^۳ (ایده‌هایی درباره نحوه حل کردن مسائل خاص)

اگر بخواهیم ردپایی از اخلاق و ارزش‌های اخلاقی را در این پنج طبقه جستجو کنیم، بی‌گمان می‌بایست در طبقه دوم، یعنی چارچوب‌های هنجاری به دنبال آنها بگردیم.

چارچوب‌های هنجاری از مفروضاتی بدیهی شمرده شده درباره ارزش‌ها، گرایش‌ها، هویت‌ها و سایر انتظارات مشترک میان انسان‌ها تشکیل می‌شوند. این انتظارات مشترک در پس زمینه مباحثات سیاستی قرار دارند و عمل تصمیم‌گیری را با محدود ساختن طیف گزینه‌هایی تحت تأثیر قرار می‌دهند که نخبگان و تصمیم‌گیران آنها را مشروع و قابل قبول تلقی می‌کنند. به طور خلاصه، چارچوب‌های هنجاری مجموعه وسایل و وسائط رسیدن به اهداف را کوچکتر و محدودتر می‌سازند. ارزش‌ها، هنجارها و باورهای اصولی سیاست‌گذاران طبیعتاً موضع آنها را در موضوعات سیاستی

تکثرگرا فرض می‌کند که ترجیحات مردم به شکلی مؤثر به دولت منتقل می‌شود و تصمیمات و خروجی‌های سیاسی را برآیند تعادل طبیعی آن ترجیحات می‌بیند. همچنین فرض بر این است که دولت و نهادهای آن، داور بی‌طرف رقابت گروه‌های ذینفع هستند و قادرند بسرعت با محیط متغیر تطبیق یابند.

این نگاه تکثرگرا به سیاست‌گذاری عمومی در دهه‌های بعد مورد انتقاد قرار گرفت. منتقدان به خصوص اظهار می‌کردند که دیدگاه تکثرگرایانه ساختارهای تثبیت شده اقتصادی و حقوقی و نابرابری‌های ناشی از آن ساختارها را ندیده است. از جمله این نابرابری‌ها می‌توان به موقعیت انحصاری فعالان بخش اقتصادی، انحصار تقریبی تصمیم‌سازی سیاسی به دست نخبگان صاحب قدرت که پست‌های کلیدی را هم در دولت و هم در مجتمع‌های نظامی-صنعتی در دست دارند و اهمیت عدم تصمیم‌گیری (حوزه‌هایی از سیاست‌گذاری که هیچگاه وارد دستور کار سیاست‌گذاری نمی‌شوند) اشاره کرد.

منتقدان نگاه تکثرگرا اهمیت ساختارها (اقتصادی و نهادی) را به ما گوشزد می‌کنند. اهمیت این ساختارها از جمله می‌تواند به پرسشی اخلاقی درباره «عادلانه بودن» ساختارهای موجود بینجامد و این پرسش را به عنوان مبدا مستقل و زاینده‌ای در تحقیقات مرتبط با اخلاق سیاست‌گذاری مطرح سازد.

۳-۲-۴ گروه‌های ذینفع و چالش‌های اخلاقی

در بخش پیشین به نگاه تکثرگرا (یا جامعه‌گرا) درباره فرآیند سیاست‌گذاری اشاره کردیم. این نوع نگاه علیرغم انتقادات ساختارگرایانه‌ای که به آن وارد شده، بنظر می‌رسد که هنوز پاره‌ای از حقیقت را درباره فرآیند واقعی سیاست‌گذاری در بر داشته باشد. بنابراین از منظر هدف این مقاله، می‌توان به تدوین و صورت‌بندی پرسش‌هایی اخلاقی در خصوص رفتار گروه‌های ذینفع و فشار پرداخت: آیا رفتار اخلاقی را می‌توان علاوه بر افراد انسانی به گروه‌های انسانی هم اطلاق کرد؟ اگر این گونه باشد، چگونه می‌توان عملکرد گروه‌های فشار را از منظر محدودیت‌های اخلاقی توصیف یا داوری نمود؟ پرسش‌هایی از این دست می‌توانند سنگ بنایی برای توسعه یک حوزه مطالعاتی نظام‌یافته در اخلاق سیاست‌گذاری باشند.

۳-۲-۵ ایده‌ها و ارزش‌های اخلاقی

جریان اصلی رویکردهای نظری به سیاست‌گذاری عمومی

1- Normative frameworks

2- Frames

3- Programmatic ideas

۲-۴ چالش‌های اخلاقی پس از تصمیم‌گیری

در اینجا، نیاز به ارزیابی‌های پسینی و بازنگری‌هایی در اجرا احساس می‌شود اینکه آیا ارزیابی پسینی در این سیاست (در مورد قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در آثار علمی وجود خواهد داشت و اینکه تا چه اندازه این بازنگری با دغدغه‌ها و ارزش‌های موجود در رشته‌های متفاوت دانشگاهی مرتبط می‌شوند نیز از مواردی است که وجه اخلاقی سیاست مورد نظر را روشن خواهد کرد.

۳-۴ ابعاد اخلاقی ساختارهای تثبیت شده اقتصادی-اجتماعی و حقوقی

با وجود اعمال این نوع تصمیمات، بسیاری از متخصصان عامل اصلی و اساسی سوءرفتارهای علمی را تصویب آئین‌نامه ارتقاء اعضای هیأت‌علمی که (بیشتر از آنکه به کیفیت فعالیت‌های پژوهشی توجه کند) بسیار کمیت‌نگر است می‌دانند. مشکل از اینجا ناشی می‌شود که بالا بردن کمیت‌ها ممکن است از روش‌هایی به دست آید که (حتی اگر غیرقانونی نباشند) الزاماً (به لحاظ علمی) ارزشمند نیستند. لذا به نظر می‌رسد که این ساختار حقوقی (تا حدی) تثبیت شده و (در صورتی که توافقی در مورد نقایص آن میان ذینفعان وجود داشته باشد) تلاش برای تغییر یا جایگزین کردن آن می‌تواند وجه اخلاقی مهمی را در سیاست‌گذاری مرتبط با تقلب ایفاء کند.

۴-۴ گروه‌های ذینفع و چالش‌های اخلاقی

وجود رشته‌های دانشگاهی متفاوت با ماهیت‌ها و شیوه‌های عملکرد متفاوت که با تصویب آئین‌نامه مورد نظر ناچار به تبعیت از تصمیم سیاست‌گذارانه واحدی هستند نشان دهنده این است که در تصمیم‌گیری و تصویب این آئین‌نامه گروه‌های ذینفع متفاوت دخالت داده نشده‌اند. آئین‌نامه ارتقاء اعضای هیأت‌علمی (که اهمیت آن در بحث سوءرفتارهای علمی ذکر شد) نیز به نحوی تدوین شده است که ویژگی‌های اختصاصی گروه‌های مختلف علوم در نظر گرفته نشده است و در یک تقسیم‌بندی کلی تنها سه دسته از فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و خدمات اجرایی به رسمیت شناخته شده است [۲۵].

۵-۴ ایده‌ها و ارزش‌های اخلاقی

در چهار دهه اخیر یک بُعد مهم و پررنگ در

مختلف تحت تأثیر قرار می‌دهند. این ارزش‌ها و هنجارها به تصمیم‌گیران کمک می‌کنند تا به «مناسب‌ترین» سیاست در میان سیاست‌های کارا دست پیدا کنند. بدین ترتیب، سیاست‌گذاران معمولاً بر مبنای یک منطق اخلاقی یا تناسب اجتماعی عمل می‌کنند نه صرفاً یک منطق توالی منطقی حوادث ممکن [۲۴].

همان‌طور که از ملاحظات فوق بر می‌آید مطالعه اخلاق سیاست‌گذاری در چارچوب دیدگاه‌های ایده‌محور نیز مسیری جذاب پیشروی محققان این حوزه باز کرده و مسائل و راه‌حل‌های فراوانی را برای پژوهش و بحث ارائه می‌نماید.

۴-۴-۱ موردکاوی رعایت اخلاق در مقالات علمی ایران

هرچند مطالعه تجربی یا نمونه‌کاوی خاصی در ایران صورت نگرفته، با این حال می‌توان یک تصمیم‌سیاستی خاص در مورد آموزش عالی را در چارچوب مورد نظر مورد بررسی قرار داد.

۴-۱-۱ چالش‌های اخلاقی پیش از تصمیم‌گیری

در سال‌های اخیر کشف و افشای مواردی از تقلب آشکار علمی در میان اساتید شناخته شده و نامدار دانشگاه‌های ایران برای مدتی نقل محافل سیاسی-علمی کشور بوده است. فشار اخلاقی حاصل از این اتفاقات تنظیم کار در نهادهای تصمیم‌گیرنده در خصوص تقلب را تحت تأثیر قرار داده است. مورد مرتبط با همین موضوع که می‌توان گفت که فشارهای بین‌المللی به نتیجه مؤثر منجر شده، تصویب قانون مقابله با پیشگیری و مقابله با سرقت در آثار علمی در سال ۱۳۹۶ است. همچنین آئین‌نامه اجرایی پیشگیری و مقابله با تقلب علمی نیز تدوین و تصویب شده است.

در تصویب قانون و آئین‌نامه اجرایی طی کردن مرحله‌ای مردم‌سالارانه می‌توانست بسیاری از وجوه که امروز فقدان آن احساس می‌شود را لحاظ کند. در مورد قانون، تعریفی که از تقلب علمی در ارائه شده نحیف‌تر از آن است که بتواند مفهوم غنی‌تر سوءرفتار علمی^۱ را در خود جای دهد. نتیجه این است که در تهیه آئین‌نامه اجرایی (هر چند به نظر می‌رسد که تهیه پیش‌نویس آن مسیری مردم‌سالارانه را طی کرده) محدودیت‌هایی ایجاد شود.

Understanding Moral Action. *Administration and Society*, 23(3), 357-373.

[12] Nourizadeh, M., Kalantari, E., & Habiba, S. (2018). Modeling of Tehran Residents Attitude to GMFs Using Structural Equations. *Journal of Science and Technology Policy*, 9(4), 77-99. {In Persian}.

[13] Colby, A., & Kohlberg, L. (1987a). *The Measurement of Moral Judgment*. Vol. 1: Standard issue scoring manual. Cambridge University Press, New York.

[14] Colby, A., & Kohlberg, L. (1987b). *Theoretical Foundations and Research Validation*. Vol. 2: Standard issue scoring manual. Cambridge University Press, New York.

[15] Stewart, D. W., Sprinthall, N. A., & Shafer, D. M. (1994). Moral development in public administration. *Handbook of administrative ethics*, 325-48.

[16] John, P. (1998). *Analysing Public Policy*. London, Pinter. pp. 1-21.

[17] Sabatier, P. (1991). *Political Science and Public Policy*. *Political Science and Politics*, 24(2), 144-147.

[18] Moe, T. (1990). The politics of Structural Choice: Toward a Theory of Public Bureaucracy. In: *Organization Theory: From Chester Barnard to the Present and Beyond*, edited by Williamson, O. New York: Oxford University Press.

[19] Schlager, E., & Blomquist, W. (1996). A Comparison of Three Emerging Theories of the Policy Process. *Political Research Quarterly*, 49(3), 651-672.

[20] Majone, G. (2006). Agenda Setting. In: Goodin, R. E., Moran, M., & Rein, M. (Eds.). *The Oxford Handbook of Public Policy*. Oxford: Oxford University Press.

[21] Hurlimann, T., Peña-Rosas, J. P., Saxena, A., Zamora, G., & Godard, B. (2017). Ethical issues in the development and implementation of nutrition-related public health policies and interventions: A scoping review. *PloS one*, 12(10), e0186897. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0186897>.

[22] Bovens, M., Hart, P., & Kuipers, S. (2006). The Politics of Policy Evaluation. In: Goodin, R. E., Moran, M., & Rein, M. *The Oxford Handbook of Public Policy*. Oxford: Oxford University Press.

[23] Immergut, E. M. (2006). Institutional Constraints on Policy. In: Goodin, R. E., Moran, M., & Rein, M. (Eds.). *The Oxford Handbook of Public Policy*. Oxford: Oxford University Press.

[24] Campbell, J. L. (2002). Ideas, politics, and public policy. *Annual review of sociology*, 28(1), 21-38.

[25] Ghanei Rad, M. A., Mohmoodi, M., & Ebrahim Abadi, H. (2017). Compilation of Multidimensional Model for evolution of Humanities and social science, Development. *Journal of Science and Technology Policy*, 9(1), 85-103. {In Persian}.

تصمیم‌گیری‌های سیاستی کلان در ایران، بُعد ایدئولوژیک بوده است. پارادایم‌های شناختی و جهان‌بینی‌ها و چارچوب‌های هنجاری خاصی در این دوران ذهنیت‌نخبگان سیاستی ما را جهت می‌داده و تصمیم‌سازی‌های کلیدی آنها را مشروط می‌ساخته است. توجه به تأثیر این بُعد ایدئولوژیک در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مهارت‌تقلب علمی دارای اهمیت خواهد بود. به عنوان مثال توجه به نقشی که شورای عالی انقلاب فرهنگی (که در نهایت تصویب‌کننده آئین‌نامه ارتقاء است) در این زمینه دارد، می‌تواند دارای اهمیت باشد.

References

منابع

- [1] Cooper, T. L. (Ed.) (2000). *Handbook of Administrative Ethics* (2nd ed.). New York: Marcel Dekker, Inc.
- [2] Cooper, T. L. (2012). *The Responsible Administrator: An Approach to Ethics for the Administrative Role*. San Francisco: Jossey-Bass.
- [3] Koops, B.-J. (2015). The Concept, Approaches and Applications responsible innovation. In: *Responsible Innovation 2*. Edited by Koops, B.-J., Oosterlaken, I., Romijn, H., Swierstra, T., and Van Den Hoven, J. Springer. pp. 1-15.
- [4] Jos, P. H. (1990). Administrative Responsibility Revisited: Moral Consensus and Moral Autonomy. *Administration and Society*, 22(2), 228-248.
- [5] Dobel, J. P. (1990). Integrity in the Public Service. *Public Administration Review*, 50, 354-360.
- [6] Cooper, T. L., & Wright, N. D. (Eds.) (1992). *Exemplary Public Administrators: Character and Leadership in Government*. San Francisco: Jossey-Bass.
- [7] Fisher, E. C., Jones, J. S., & von Schomberg, R. (Eds.). (2006). *Implementing the precautionary principle: perspectives and prospects*. Edward Elgar Publishing.
- [8] Bell, R. (1985). Professional Values and Organizational Decision Making. *Administration and Society*, 17(1), 21-60.
- [9] Fiore, W. I., Brunk, J. J., & Meyer, C. K. (1992). Norms of Professional Behavior in Highly Specialized Organizations: the Case of American Zoos and Aquariums. *Administration and Society*, 24, 81-99.
- [10] Fischer, F. (1988). Ethical Discourse in Public Administration. *Administration and Society*, 15(1), 5-42.
- [11] Stewart, D. W. (1991). *Theoretical Foundations of Ethics in Public Administration: Approaches to*